

جاده

فرهنگی، هنر و رسانه ویژه



■ محمدعلی بهمنی، شاعر و ترانه‌سرای نام‌آشنا و احیاگر غزل معاصر، در ۸۲ سالگی چشم از دنیا فروبست

هنر در اسارت پایا راتزی

■ اگرچه «خانه شیشه‌ای» می‌خواهد پشت پرده سلبریتی‌ها را روایت کند، اما این فیلم از انسجام کافی برخوردار نیست

سلام به سلامتی بانکته‌های پزشکی

■ فصل جدید «دکتر سلام» به بررسی اخبار پزشکی و اتفاقات تازه در حوزه درمان می‌پردازد تا آموزش موثری برای سلامتی به مخاطبان ارائه دهد

هنری گرانقدر در خطر قدرشناسی

■ نبود فضایی برای نگهداشت ادوات، نسخ و البسه تعزیه، اسباب اضمحلال این هنر را که تاریخی چند صد ساله دارد، فراهم می‌کند

جدال در «بارانداز»

■ سریال پلیسی با محوریت مبارزه با قاچاق و پولشویی از امشب روی آنتن شبکه دو می‌رود



هنر و هوش مصنوعی از هراسیدن تا آفرینش

نشست تخصصی تأثیر فناوری‌های نوین در هنر با نگاهی به نمایشگاه نقاشی «هوش مصنوعی» محمد تیتکانلو، با سخنرانی مرتضی گودرزی دیباج، فرژاد زادمحسن، محمود نورایی و محمدعلی سعیدی و با حضور جمعی از استادان و کارشناسان هنری در گالری ماهر برگزار شد.

محمود نورایی، کارشناس و منتقد هنری در این نشست با بیان این‌که هم اکنون ترس‌ها و هراس‌هایی در مورد هوش مصنوعی و آینده هنر مطرح می‌کنند، اظهار کرد: نقد هنر، آفرینش‌های هنری و جریان کلی هنر در آینده در مجاورت با هوش مصنوعی شاهد تحولاتی خواهد بود. اکنون در ابتدای راه عمومی شدن هوش مصنوعی هستیم، بنابراین رویکردهای مان با هراس است.

وی ادامه داد: هوش مصنوعی امروز ترسی را به وجود آورده که تاریخ هنر می‌گوید نباید خیلی از آن بترسیم. اتفاقاً این تحولات ممکن است محلی برای زایش هنرهای جدید باشد. در عصر صنعتی و رویکردهای هنر مدرنیستی، دیدیم که صنعت توانست به‌وسیله دستگاه‌ها بازنمایی کند و عکاسی مبتای این تغییرات بود و پس از این تحول، شاهد زایش هنرهای جدید بودیم. وقتی که عکاسی در عصر صنعتی وارد گفتمان هنری شد، هنرمندان نقاش دوران راوادار به اندیشیدن در مورد گونه‌های دیگری از هنر کرد. اصلایس از تولد عکاسی، سبک‌های گوناگون مدرن همه متأثر از مفاهیمی بازنمایی شده از سمت عکاسی رواج پیدا کردند.

نورایی در ادامه با اشاره به این‌که برخی سبک‌ها با سرعت شکل گرفته و استحالته پیدا کرده‌اند، گفت: همین امر نشان داد که بازنمایی هنر از سوی صنعت، هنر را به دنیای دیگری راهنمایی کرده است. مثلاً در دهه ۶۰ میلادی ویدئو به عنوان ابزاری که به صورت عمومی وارد هنر شد، جریانات هنری را دچار کردیدی کرد و پس از تجربیات هنری با ویدئو، تفکرات تازه‌ای پیرامون هنر شکل گرفت و هنرهای جدید با ظهور ویدئو در هنر معاصر به وجود آمدند. اگر امروز هوش مصنوعی وارد هنر شود هم بازنمایی‌های تازه‌ای را به ما ارائه خواهد کرد. با همین صورتی که پیش می‌رود اگر هوش مصنوعی در دسترس عموم قرار بگیرد، قطعاً می‌تواند با آفرینی جدیدی در عرصه هنر قدم بزند. وی تأکید کرد: اگر از این منظر به آثار تیتکانلو نگاه کنیم، شاید بتوانیم این آثار را نوعی تلاش‌های هنرمند در بازشناسی عصر خود بدانیم. تاریخ هنر نشان داده در دوره‌هایی، شرایط گذار لازم است و دوران گذار موجب آفرینش هنرهایی می‌شود که در آینده مورد بازخوانی قرار می‌گیرد نه امروز.

این منتقد هنری عنوان کرد: آثار تیتکانلو تلاشی که در رابطه با پیوند هوش مصنوعی و هنر دارند، ممکن است در آینده چنین شرایطی را تجربه کنند. در این آثار گرچه آشفتگی از منظر نقاشانه وجود دارد اما هراس‌آور نیست و مخاطب شاهد وجوه هراس‌آوری از آینده در این آثار نیست و این نکته بسیار مهمی است. برخی نشانه‌های اثر به ما خبر از مواجهه با ناشناخته‌ها می‌دهد اما تلاش نقاش حفظ سنت نقاشی است. نورایی در ادامه اضافه کرد: کاری که امپرسیونیست‌ها در دورانی که دوربین عکاسی به وجود آمد انجام دادند این بود که می‌خواستند توان خود را بهتر از قبل با رنگ و نورپردازی ویژه‌تر در آثار و ضربه‌های تند قلم‌شان نشان دهد. تلاش هنرمندی مانند تیتکانلو هم ما را

به حیات هنر ارجاع می‌دهد که با همه تهدیدات

مازهم به زندگی ادامه می‌دهد و همیشه پیشروتر از هوش مصنوعی یا هر ابزار تکنولوژیک جدیدی است که بعداً به وجود می‌آید. هنرمند در هر شرایطی، بازنمایی و بازآفرینی می‌کند و تمدن را با دست ساخته‌هایش می‌آفریند.



کد QR را اسکن کنید

زاویه دید



ماشهورام ریخت گروه فرهنگ و هنر

پذیرش اسلام با اقبال زیاد ایرانیان مواجه شد و اسلام و ارکان آن در جای جای هنر مردمی ایرانیان بازناب یافت. شاعران و سخنوران ایرانی در اشعار مردمی و رسمی خود، با فصاحت و بلاغتی خاص پیامبر(ص) و زندگی او را به تصویر کشیدند و زبان به ستایش او گشودند. بر همین اساس تمثیل که ابزاری سودمند در کلام ادیبانه محسوب می‌شود توانایی برتافتن لایه‌های مختلف زبانی را دارد. تمام ظرفیت‌های ادبیات تمثیلی به کار گرفته شده است. قادر به فراتر رفتن از محدوده‌های گفتاری و گشودن درهای ساحات عظیم‌تر روحی و فکری است و از ساحتی که ادبیات تمثیلی توانایی آشکار کردن آن را دارد، زندگی پیامبر اکرم(ص) و پدیدار کردن دقایق و ظرایف روحانی آن است. شخصیت پیامبر اسلام به واسطه برخورداری وجوه مختلف شاعران را بر آن داشته تا جسارت کرده و اوصاف اخلاقی ایشان را به بند تشبیه و تمثیل بکشند و از این راه کمالات پیامبر(ص) را عیان کنند. آنها گاه درباریه شجاعت و اخلاق خاتم الانبیاء(ص) شعر می‌سریند و گاه صبر و خشیت ایشان را در شعرهایشان نمود می‌دهند. شاعران در دیوان و کتب خود غالباً پیش از به تصویر کلام کشیدن کمالات پیامبر به منقبت و مدح رسول خدا می‌پردازند و نام و اوصاف پیامبر(ص) را در اشکالی همچون دیباجه‌ها، معراج‌نامه‌ها، قالب‌های شعری ستایشی، روایت‌ها و حکایت‌ها بسط می‌دهند. در واقع تمام شاعران ایرانی خود را موظف می‌دانند در آغاز شعر خود، پس از ستایش خداوند سبحان به ستایش پیامبر بپردازند. این اشارت‌ها صرفاً به آغاز فصل خاصی در اشعارشان محدود نمی‌شود و در بیت بیت دیوان‌شان مستتر است و فصولی متفاوت از زندگی پیامبر را به تصویر می‌کشد.

نعت نام مبارک

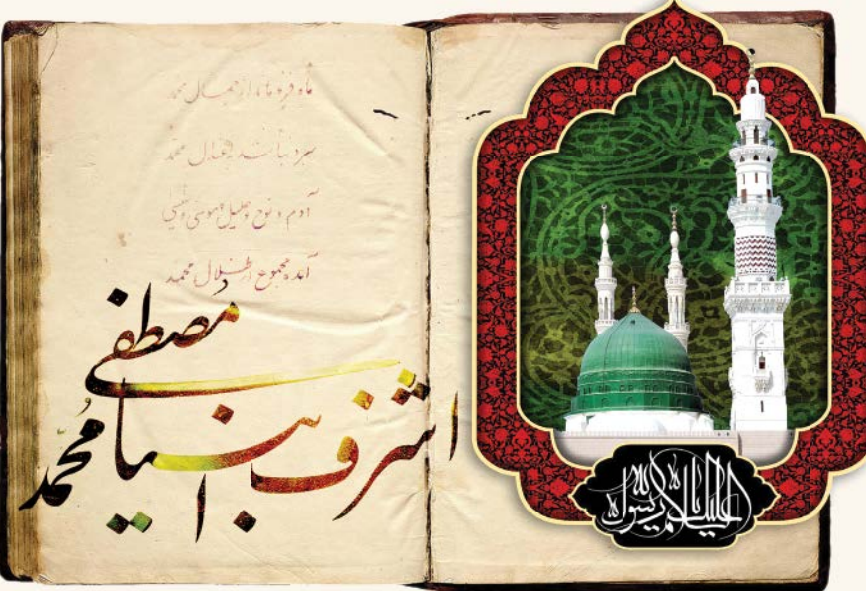
نظامی در مخزن الاسرار ستایش پیامبر(ص) را از نعت نام مبارک ایشان آغاز می‌کند و می‌گوید: خلقه حی را کالف اقلیم داد/ طوق ز دال و کمر از میم داد/ لاجرم او یافت از آن میم و دال/ دایره دولت و خط کمال. او در هفت پیکر نیز پیشه داستانگوی پیش می‌گیرد و در آغاز آن معراج پیامبر را به زیبایی توصیف می‌کند و به زبان نظم آن را در پیش چشم خیال خوانندگان به تصویر می‌کشد؛ چون گنجچید در جهان تاجش/ تخت بر عرش بست معراجش/ سر بلندی‌ش را ز پایه پست/ جبرئیل آمده براق به دست. نظامی در این معراج‌نامه زبان عربی را در بند شده و سجع و تشخص و دیگر صنایع ادبی را در خدمت آمده ایشان می‌داند؛ برق‌گردار بر برق نشست/ تازی‌ش زیر و تازیانه به دست. در انتها خواننده را به اسلام دعوت می‌کند: گوش تا ملک سمردی یابی/ وای ز دین محمدی یابی.

سیمای پیامبر و افضل المخلوقات

کتاب مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد اثر نجم‌الدین رازی از دیگر کتب ارزشمند ادب فارسی است که رازی در آن اشکار و نهان

مدح مکرر پیامبر در ادب فارسی

شعر به عنوان بزرگ‌ترین رسانه ایران همواره به پیامبر اسلام(ص) ادای دین کرده است



شرح می‌دهد که پیامبر درمانگر دردها و بیماری‌های بیماران است و برای هر بیماری درمانی خاص دارد: «خواجه را علیه‌السلام طبیب حاذق دین بود که هر بیماری را بشناسد و معالجه هر یک به صواب بفرماید.» همچنین نجم‌الدین رازی مانند نظامی و بسیاری شاعران و سخنوران به مقوله معراج پیامبر نیز می‌پردازد و آن را امری جسمانی می‌داند و می‌گوید بازگشت پیامبر از معراج، بازگشت از عالم بالا به عالم خاکی بوده است. زیرا پیامبر به واسطه بدن خود به سوی زمین کشانده شده است: «و گفته‌اند که خواجه علیه‌السلام چون از معراج باز می‌گشت و به عالم سفلی می‌آمد از عالم علوی و این میل و قصد بسفل از خاصیت آب و خاک است.»

قصه را از حلیمه

از خیل شاعران پیرو آراء ایران، مولانا نیز به دقایق زندگی پیامبر(ص) اشاره کرده است. او در مثنوی نکات ظریف و نفی بازگویی کند که کمتر شاعری به آن پرداخته و ادب‌آشنا را از سخن گفته‌اند. مولانا در دفتر اول از داستان شرکت کردن پیامبر(ص) در مراسم دفن یکی از صحابه می‌گوید. وقتی پیامبر از این مراسم باز می‌گردد، به دیدار عایشه می‌رود و عایشه از دیدن البسه خشک پیامبر تعجب می‌کند؛ چون ز گوشتان پیمبر بازگشت/ سوی صدیقیه شد و همراز گشت/ چشم صدیقیه چو بر رویش فتاد/ پیش آمد دست بروی می‌نهاد. پیامبر علت این کار را از او می‌پرسد و عایشه در جواب می‌گوید: گفت پیغامبر چه می‌جویی شتاب/ گفت باران آمد امروز از سحب/ جامه‌هایت می‌پجویم در طلب/ تر نمی‌یابم ز باران ای عجب. پیامبر به او می‌گوید که

زمان بارش باران چه بر سر انداخته بوده و عایشه می‌گوید که ردای پیامبر را بر سر انداخته بود؛ گفت چه بر سر فکندی از آزار/ گفت کردم آن ردای تو خما/ گفت پهر آن نمود ای پاک جیب /چشم پاکت را خدا باران غیب. وقتی پیامبر درمی‌یابد عایشه ردای ایشان را بر انداخته بود، به او می‌فرماید که این باران باران غیب بوده که خداوند چشم دل او را بر دیدن آن باز کرده است؛ غیب را ابی‌ری و آبی دیگرست/ آسمان آفتابی دیگرست/ ناید آن الا که بر خاصان پدید/ باقیان فی آنس من خلقِ جدید.

مولانا در دفتر چهارم از حلیمه، دایه پیامبر، می‌گوید هنگامی که او را از شیر گرفت، خواست پیامبر را به دست جدش عبدالمطلب برساند؛ قصه را از حلیمه گویمت/ تا ز داید داستان او غمت / مصطفی را چون ز شیر او باز کرد/ بر کفش برداشت چون ریحان و ورد/ می‌گریزانیدش از هر نیک و بد/ تا سپارد آن شهنشه را به جد. او با حضرت به کعبه می‌رود ولی در آنجا او را گم می‌کند. حلیمه خانه خدا را و جب به وجب می‌گردد تا حضرت را پیدا کند، ولی موفق نمی‌شود تا این‌که پیرمردی او را پیش غری، یکی از بتان می‌برد که به بار و او ملتئم شدن به آن باعث پیدا شدن گم‌شدگان می‌شود؛ برد او را پیش غری کنی صنم/ هست در اخبار غیبی مغتنم/ ما هزاران گم شده زو یافتم/ چون به خدمت سوی او بشتافتم. زمانی که پیر شروع به سخن گفتن با بت می‌کند و نام محمد(ص) بر زبان می‌آورد، بت سر خم می‌کند و به زبونی و پستی خود در برابر پیامبر اقرار می‌کند؛ که ازو فرزند طفلی گم شدست/ نام آن کودک محمد آمدست/ چون محمد گفت آن جمله بتان/ سرنگون گشتند و ساجدان زمان.

برش

شعر؛ مهم‌ترین شیوه شناخت و معرفی پیامبر اکرم(ص)

در تاریخ ایران زمین هنر شعر و شاعری مهم‌ترین شیوه شناخت و معرفی پیامبر اکرم(ص) محسوب می‌شود. تقریباً تمام شاعران فارسی زبان در دیباجه اشعار خود و پیش از آغاز هر گونه سخنی، در مدح خداوند سخن می‌سریند و سپس زبان به تحسین پیامبر می‌گشایند. شاعران و سخنوران جان کلام را که همان زندگی پرپرکت پیامبر بود، در قالب‌های مختلف استعارات و تشبیهات ادبی ریختند و نکات والا و گرانشگ زندگی پیامبر، از تاریخ زندگی ملموس ایشان گرفته تا غیب ناملموس که ایشان با چشم و حی دیدند، را برای مشتاقان عیان کردند. از جمله امور غیبی ای که آنها بدان توجه کردند، معراج پیامبر بود.

در واقع معراج پیامبر اسلام(ص) چنان واقعه عظیمی نزد شاعران و نویسندگانی همچون نظامی و نجم‌الدین رازی و مولانا بود که آن را ساده نگرفتند و در توصیف آن معراج‌نامه‌ها سرودند یا آن را به نظم و نثر در آوردند.